

تحلیل و بررسی ترجمه نسفی در مقایسه با ترجمه کشف الاسرار میبیدی بر اساس سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو

طیبه ابراهیمی شهرآباد^۱، صابر امامی^{۲*}، فرهاد طهماسبی^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۳۰۶-۲۸۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7745>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: تفسیر نسفی اثر نجم‌الدین نسفی یکی از مهم‌ترین آثار قرن پنجم و ششم هجری است که نویسنده در آن ترجمه‌ای مسجع از قرآن ارائه داده و تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار اثر ابوالفضل میبیدی است که نویسنده، قرآن را با دیدی عرفانی تفسیر کرده‌است. سبک‌شناسی گفتمانی این دو کتاب می‌تواند ساختار متن، اصول اعتقادی و ایدئولوژی نویسندگان را به خوبی نشان دهد؛ چراکه سبک‌شناسی گفتمانی در صدد است زیباییهای متن، افکار و اعتقادات نویسنده را از لایه‌های زیرین متن خارج نماید و آنرا به مخاطب انتقال دهد. یکی از نظریه‌هایی که در این زمینه به بررسی متون می‌پردازد، سبک‌شناسی گفتمانی متن بر اساس نظریه میشل فوکو می‌باشد. فوکو در این نظریه کلام را از حیث سبک نحوی جملات و کنشهای گفتاری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

روشها: در این مقاله نویسندگان با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای در صدد هستند سبک‌شناسی گفتمانی این دو تفسیر را بر اساس نظریه میشل فوکو مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

یافته‌ها: در نهایت بر اساس یافته‌ها، سبک نحوی جمله‌ها از لحاظ گسسته و همپایه بودن، در تفسیر کشف‌الاسرار و تفسیر نسفی رابطه مستقیمی با پیوستار معنایی و بافت موقعیتی قرآن دارد. در بررسی کنشهای گفتاری در آیاتی که مورد بررسی قرار گرفت از آنجاییکه خداوند به دنبال بیدارسازی و هدایت مخاطبین است؛ نسفی و میبیدی طبق کنش قرآنی عمل نموده‌اند؛ یعنی آیاتی که در قالب کنش دستوری یا ترغیبی و... هستند، طبق کنش قرآن آیات را ترجمه نموده‌اند و فقط در مواردی برای رساندن تاکید، ترغیب و یا دستور موجود در آیه از عباراتی فراتر از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده‌اند که بتوانند کنشهای گفتاری موجود در آیات را با شدت بیشتری به مخاطب انتقال دهند.

نتیجه‌گیری: سبک‌شناسی گفتمانی دو ترجمه تفسیر کشف‌الاسرار و تفسیر نسفی در آیات مورد بررسی تحت تاثیر مستقیم قرآن قرار دارد و تنها در برخی موارد مضمون آیات مورد تاکید قرار گرفته‌اند.

تاریخ دریافت: ۲۴ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۶ آبان ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی گفتمانی، تحلیل گفتمان، تفسیر نسفی، تفسیر کشف‌الاسرار، میشل فوکو.

* نویسنده مسئول:

emami@art.ac.ir

۴۴۸۶۵۱۵۴ (۲۱) ۹۸+



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis and study of Nasafi's translation in comparison with Meybodi's translation of Kashf-ul-Asrar based on Michel Foucault's discursive stylistics

T. Ebrahimi Shahrabad¹, S. Emami*², F. Tahmasebi

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Applied Arts, University of Arts, Tehran, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 August 2024

Reviewed: 15 September 2024

Revised: 01 October 2024

Accepted: 16 November 2024

KEYWORDS

Discourse stylistics, discourse analysis, Nasafi interpretation, interpretation of Kashf al-Asrar, Michel Fouco.

*Corresponding Author

✉ emami@art.ac.ir

☎ (+98 21) 44865154

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Tafsir Nasafi by Najm al-Din Nasafi is one of the most important works of the fifth and sixth centuries AH, in which the author presents a comprehensive translation of the Quran, and Tafsir Kashf al-Asrar and Ad-Dah al-Abrrar by Abul-Fadl Meybodi, in which the author interprets the Quran with a mystical perspective. The discourse stylistics of these two books can well show the structure of the text, the principles of belief, and the ideology of the authors; because discourse stylistics seeks to extract the beauties of the text, the thoughts, and beliefs of the author from the underlying layers of the text and convey them to the audience. One of the theories that examines texts in this field is the discourse stylistics of the text based on Michel Foucault's theory. In this theory, Foucault analyzes and examines speech in terms of the syntactic style of sentences and speech acts.

METHODOLOGY: In this article, the authors, using a descriptive-analytical and library method, seek to analyze and examine the discursive stylistics of these two interpretations based on Michel Foucault's theory.

FINDINGS: Finally, based on the findings, the syntactic style of sentences in terms of being discrete and consistent, in the interpretation of Kashf al-Asrar and Nasafi's interpretation, has a direct relationship with the semantic continuum and situational context of the Quran. In examining the speech acts in the verses that were examined, since God seeks to awaken and guide the audience; Nasafi and Maybodi have acted according to the Quranic action; that is, the verses that are in the form of command or persuasion action, etc., have translated the verses according to the Quranic action and only in cases have they used expressions beyond the literal translation to convey the emphasis, persuasion, or command in the verse so that they can convey the speech acts in the verses to the audience with greater intensity.

CONCLUSION: Conclusion: The discourse stylistics of the two translations of Tafsir Kashf al-Asrar and Tafsir Nasafi in the verses under study are directly influenced by the Quran, and only in some cases are the content of the verses emphasized.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7745>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 0	 0

مقدمه:

سبک‌شناسی گفتمانی یکی از دانش‌های جدید زبانشناسی در ادبیات غرب است که به مطالعه ساختارهای متون میپردازد و میزان تاثیرگذاری اجتماع بر متن را بیان میکند و در کنار آن بر توضیح چگونگی تکوین معنا و ویژگیهای زبانی، اجتماعی و فرهنگ تکیه میکند. این برخورد زبانشناسی، در متن‌های ادبی به مقولاتی فراتر از جمله، مانند: پیوستار معنایی، سبک نحوی جمله‌ها، کنش گفتاری، بافت، نظم ساختارهای خود متن و بسامد کنشها و جمله‌ها میپردازد. سبک‌شناسی گفتمانی متون ادبی را از منظر گفتمانی مورد تحلیل و بررسی قرار میدهد و با قدم نهادن در عرصه‌های فراتر از جمله و ورود به عرصه تحلیل گفتمان، موضوعی جدید در مطالعات سبک‌شناسی، فراهم آورده‌است. مهمترین مؤلفه‌ها در سبک‌شناسی گفتمانی عبارتند از: تحلیل گفتمان بر اساس بافت موقعیتی جمله‌ها، کنشهای گفتاری و سبکهای نحوی.

سبک‌شناسی گفتمانی، نگرشی است در باب رابطه محتوای متن با بیرون متن، که مستقیماً تحت نفوذ اندیشه میشل فوکو به وجود آمد. و میتوان گفت در میان نظریات سبک‌شناسی گفتمانی، نظریه سبک‌شناسی میشل فوکو از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. وی ساختار متن را از نظر انواع کنشهای گفتاری و سبک نحوی جملات بررسی مینماید.

تفسیر نسفی و تفسیر کشف‌الاسرار از جمله متون ارزشمندی به‌شمار می‌آید که همواره پژوهشهای فراوانی در بافت معنایی و ساختاری آن صورت گرفته‌است و با سبک‌شناسی گفتمانی این دو تفسیر میتوان مشکلات فهم و تحلیل و تفسیر آیات را برای مخاطب هموار ساخت و میزان بازتاب راز و رمزهای کلام الهی را در ترجمه قرآن آشکار ساخت و اینگونه مخاطب را در فهم منطقی و دقیق حقایق قرآن یاری رساند. مطالعات سبک‌شناسی در حوزه ترجمه قرآن یکی از روشهای کارآمد در چگونگی الفای مفاهیم قرآنی به مخاطبان است.

بحث و بررسی:

سبک‌شناسی گفتمانی از نظر میشل فوکو

در بررسی سبک‌شناسی گفتمانی دو مکتب بزرگ وجود دارد: نخست مکتب انگلیسی - آمریکایی که مطالعه را بر اشکال گوناگون ارتباط شفاهی استوار کرده‌است و دوم مکتب فرانسوی که گفتمان کاوی را بر اساس متون مکتوب بنیان نهاده‌است. «(مکاریک، ۱۳۹۰، ۲۶۱) مکتب فرانسوی این رویکرد بر پایه آثار میشل فوکو، اساساً و نه منحصرأ به بررسی متون مکتوب در بافت نهادی، اجتماعی و سیاسی آنها میپردازد.

«در این رویکرد کلمات و مفاهیم که اجزای تشکیل دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نیستند و در زمانها و مکانهای متفاوت، ارتباط آنها دگرگون و معانی متفاوتی را القا میکنند. دگرگونی این ارتباطات، خود زاده دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره است؛ لذا چون این شرایط ثابت و پایدار نیستند، ساختار زبان نیز که توضیح دهنده این شرایط است نمیتواند ثابت و پایدار بماند.» (عضدانلو، ۱۳۹۴، ۳۶) مراحل سبک‌شناسی گفتمانی طبق نظریه فوکو اینچنین است:

الف) کنش دستوری

رابطه دستوری میان جمله‌ها در سبک‌شناسی به چند لایه تقسیم میشوند که اصولاً میتوان آنها را در دو لایه سبک نحوی گسسته و سبک نحوی همپایه خلاصه کرد: «سبک گسسته حامل، گروهی از اندیشه‌های مستقل است که در جمله‌های کوتاه مقطع و مستقل کنار هم قرار میگیرند و هر جمله حامل یک اندیشه مستقل است و میتوان

آنها را با نقطه از هم جدا کرد. این سبک باعث سرعت اندیشه و هیجان انگیزی میشود و به روند داستان و روایت شتاب میبخشد. «فتوحی، ۱۳۹۰، ۲۴۶» اما سبک همپایه «در جمله‌های بلند به کار میرود و سبکی آرام را رقم میزند. این سبک جمله‌های مستقل را با واو عطف به هم معطوف میکند و از نوع سبکهای ترکیبی است که در آن جمله‌ها به هم وابسته‌اند و حرکت سبک را کند میکند. این سبک برای مطالب مهم و مبهم به کار میرود.» (همان، ۲۴۴)

ب) کنش گفتاری

یکی دیگر از موارد مورد بررسی در سبک‌شناسی گفتمانی، مطالعات تحلیل جمله‌ها به لحاظ کنش گفتاری است که در آن «تنها معنای ظاهری مورد توجه نیست، بلکه شرایط زمانی مکانی، فرهنگی و... را به صورت پنهان با خود دارد و شامل ناگفته‌های یک متن میشود.» (یار محمدی، ۱۳۹۳، ۱۱) این کنش به پنج گروه تقسیم میشود که عبارتند از:

کنش تصریحی یا اظهاری

در کنش گفتاری گوینده تعهد خود را نسبت به صدق گزاره‌هایی که اظهار میدارد، نشان میدهد. «گوینده از طریق این نوع کنش به مقایسه محتوای گزاره‌ای با جهان خارج میپردازد و باور خویش را نشان میدهد. برخی فعلهای به کار رفته برای بیان کنشهای گفتاری اظهاری عبارتند از: بیان کردن، تایید کردن، گفتن، بودن، صبر کردن، شنیدن، باز کردن و انتظار داشتن.» (سرل، ۱۳۸۵، ۱۲۶)

کنش ترغیبی

در کنشهای ترغیبی، گوینده سعی دارد با به کارگیری جملات یا افعال خاصی مخاطب را به انجام کاری ترغیب کند.

این کنش برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسشی است. نکته منظوری کنش ترغیبی بر این حقیقت استوار است که این نوع، کنش تلاش گوینده برای ترغیب و واداشتن شنونده به انجام کارهاست. (همان، ۱۴۰)

کنش عاطفی

بیانگر احساساتی از قبیل قدردانی، عذر خواهی، تبریک و تعریف از جانب گوینده است. گوینده از طریق این گونه کنشها حالت درونی و احساسات خود را با فرض حقیقی بودن گزاره با مخاطب در میان میگذارد برخی از فعلهای به کار رفته در کنش عاطفی عبارتند از: خوشحال شدن، تشکر کردن، تبریک گفتن، ناسزا گفتن، متاسف شدن، معذرت خواستن، سلام کردن، تعجب کردن، دشنام دادن. گوینده از طریق این گونه کنشها حالت درونی و احساسات خود را با مخاطب در میان میگذارد. (همان، ۱۴۵)

کنش تعهدی

در کنش تعهدی گوینده با سوگند خوردن، قول دادن، پذیرفتن و نظایر آنها وعده انجام یا ترک کاری را در آینده به مخاطب میدهد. برخی از فعلهای به کار رفته در این کنش گفتاری عبارتند از قول دادن، قسم خوردن، متعهد شدن و ضمانت کردن. هدف از این کنش تطبیق دادن جهان خارج با محتوای گزاره‌ای عمل آتی گوینده است. (همان، ۱۲۷)

این کنش برای بیان تعهد گوینده به تحقق یک عمل است. گوینده خود را متعهد میسازد که کلامش صادق است و این کنش بیشتر با ادات قسم همراه است.

کنش اعلامی

هدف از کنشهای اعلامی، اعلام شرایط تازه‌ای برای مخاطب یا مخاطبان و جهان خارج توسط گوینده می‌باشد. البته صرف بیان شرایط تازه به منزله انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است از جمله اینکه گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته‌باشد. این کنش برای نامگذاری یک واقعه و اعلام یک رخداد به کار می‌رود. این کنش درباره کارهایی است که اگر با موفقیت انجام شود سبب تغییراتی در اجتماع می‌شود. افعالی نظیر اعلام کردن، محکوم کردن و منصوب کردن این کنش را دارند. (همان، ۳۱-۳۳)

تحلیل داده‌ها بر اساس کنشهای گفتمانی از دیدگاه میشل فوکو

واکوی کنشها از لحاظ کنش دستوری (سبک نحوی)

میزان ارتباط جملات با هم و کیفیت ربط آنها به هم نیز یکی از مقوله‌های دستوری است. در این بحث میزان کاربرد جملات ساده، مرکب، کلمات ربطی منفی، حروف همپایگی، وابستگی و ... بررسی می‌شود. معروفترین تقسیم بندی در سبک‌شناسی نحوی تقسیم بندی ساختارها بر اساس سبک نحوی گسسته و سبک نحوی همپایه است. در سبک همپایه جمله‌های بلند با سبکی آرام به کار می‌رود. در این سبک جمله‌ها به وسیله یک رابط که معمولاً "واو" است، به هم معطوف می‌شود. در این سبک جمله‌ها به هم وابسته هستند و حرکت سبک کند می‌شود این سبک برای توضیح مطالب مهم و مبهم به کار می‌رود. (فتوحی، ۱۳۹۰، ۲۷۷) در سبک نحوی همپایگی گاهی همپایگی از نوع ناآشکار است؛ یعنی حرف ربط آشکاری وجود ندارد در حالی که در همپایگی آشکار حرف ربط به عنوان ابزاری آشکار برای پیوند همپایه‌ها به کار می‌رود. (شعبانی، ۱۳۸۹، ۲)

«اذا الشمس کورت چون آفتاب در پیچیده شود و قیل سیاه گردانیده شود و اذا النجوم انکدرت و چون ستارگان فرو ریزیده شوند و اذا الجبال سیرت و چون کوه‌ها روان کرده شود و اذا العشار عطلت و چون ماده شتران ده ماهه آبستن معطل کرده شوند و اذا الوحوش حشرت و چون نخجیران برانگیخته شوند و چون دریاها تفسانیده شوند و قیل در یکدیگر آمیخته شوند و اذا النفوس زوجت و چون تنها با جانها یار کرده شوند و قیل و چون نیک با نیک و بد با بد جفت گرفته شوند و قیل و چون تن نیک با فرشته و تن بد با دیو قرین کرده شوند و اذا الموده سئلت و چون دخترک زنده به گور کرده پرسیده شود بأی ذنب قتلت که به چه گناه کشته شدی تا کننده آن رسوا کرده شود.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۱۱۴۰)

در این آیات جملات همگی از نظر سبک‌شناسی نحوی همپایه هستند. نوع همپایگی این جمله‌ها همپایگی آشکار است که توسط حرف ربط "واو" با یکدیگر مرتبط شده‌اند. در این آیات علاوه بر حرف "واو" حرف ربط "اذا" نیز وسیله ارتباط میان جملات به شمار می‌آید. جملات در ترجمه نسفی نیز از سبکی همپایه برخوردارند و با حرف ربط "واو" و "چون" به یکدیگر مرتبط شده‌اند. علت همپایه بودن جملات در ترجمه این آیه‌ها دعوت به تامل و تفکر در قالب سبک آرام است و هدف آن شرح رویداد قیامت برای افرادی است که هیچ خبر و اطلاعی از وقوع آن ندارند. از نظر بلاغی «افعال مجهول عدم اطلاع مخاطب از حوادث قیامت را نشان می‌دهد، چرا که نه چشمی آن حوادث را دیده و نه گوشی اخبار آن را شنیده‌است.» (محمد، ۲۰۰۷، ۴۸)

«آنکه که خورشید در گردانند و در زمین اندازند و آنکه که ستارگان در زمین ریزند و آنکه که کوه‌ها بروانند و آنکه که ماده شتران بار فرا رسیده با بار نهاده بگذارند و نجویند و نکوشند و آنکه که دشتیان و کوهیان از جانوران پس آن که خاک گشتند فراهم آرند و آنکه که دریاها از یکدیگر برکنند و آنکه که آن را آتش کنند و آنکه که هر کسی

را با همکار او جفت کنند و آنکه که دختر خود زنده در گور کرده بپرسند: که به چه گناه کشتند او را؟!» (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۱۰: ۳۹۰) جملات در ترجمه میبیدی نیز همانند سبک قرآن دارای سبکی همپایه است که به حروف ربط "واو" و "انگه که" به یکدیگر مرتبط شده‌اند.

«قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ لَعْنَتَ بَرِّ كَافِرٍ بَادٍ چُونِ گَرْدَنِ بَرْدِه‌اَسْت. مِّنْ أَيْ شَيْءٍ خَلَقَهُ از چه چیزش خداوند عزوجل هست کرده‌است. مِّنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ از آب پشت خوار مردار آفریدش فقدره به نیک هیأت مقدر گردانیدش.» (تفسیرنفسی، ج ۲: ۱۱۳۸)

در این آیات خداوند تعجب کافران و ناسپاسان را به شدت توبیخ میکند که چگونه است اینها با وجود اینکه از ماده‌ای پست آفریده شده‌اند این همه کبر و نخوت میورزند؟! (الزمخشری، ۱۴۲۹، ج ۷: ۴۱۱) ارتباط نحوی میان جملات آیه از نوع گسسته‌است و این امر بر توجه مخاطب میافزاید. وجود جمله‌هایی بدون وصل به یکدیگر فضای کلام را برای مخاطب باز میکند تا به آسانی هیجان و احساسات گوینده را درک نماید.

نسفی در ترجمه این آیات به حالت کنش ترغیبی آیه توجه داشته و فعل مجهول "قتل" را به صورت نفرینی ترجمه کرده‌است. او در ترجمه انسان واژه "کافر" را جایگزین میکند و اینگونه مخاطب را نسبت به موضوع آگاه‌تر مینماید و دلیل نفرین را در ادامه ترجمه بیان نموده‌است. نسفی با ترجمه‌ای که ارائه داده، خواننده را به هدف اصلی آیات که همان به تفکر واداشتن مخاطب به دنیای مادی و آنچه در آن است، راهنمایی نموده‌است. ترجمه او از لحاظ سبک نحوی، سبک نحوی گسسته‌است و از نوعی آرامش برخوردار است تا خواننده با معنا و مفهوم آیات بیشترین ارتباط را برقرار کند.

« کشته باد این آدمی و نفریده چون ناسپاس است او و نا گرویده از چه چیز آفریده آفریدگار او را؟! از یک آب پشت آفرید او را اندازه نهاد او را که آب چند روز بود و خون چند روز بود و گوشت چند روز بود و کی بزاید! » (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۱۰: ۳۷۹) جملات در ترجمه میبیدی همانند سبک قرآن، از سبک نحوی گسسته برخوردار هستند و هر جمله دارای مفهومی مستقل میباید.

«فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا اما آنک نامه خویش به دست راست داده‌شود هر آینه با او حساب آسان کرده‌شود وَيُنْقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا و شادمان سوی اهل خویش بازگردد وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وِرَاءَ ظَهْرِهِ و اما آنک نامه خویش سپس پشت خویش داده‌شود فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا هر آینه وا هلاکا بانک کند و به آتش افروخته درآورده شود.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۱۱۴۸)

ساختارهای مجهول این آیات به وسیله حرف "واو" با یکدیگر مرتبط شده‌اند و از نوع همپایه هستند. ساختار جمله در هر دو آیه‌ای که در آنها فعل مجهول به کار رفته‌است یکسان است.

ارتباط بین جملات به وسیله حرف ربط "واو" گفتگویی آرام را نشان میدهد و حرف ربط "اما" تاکید در آیه را میرساند. «حرف اما» حرف شرط و تفصیل و تأکید است.» (ابن هشام، ۲۰۰۹، ج ۱: ۸۱) «این نوع سبک برای به تصویر کشیدن اهمیت و ایجاد ابهام موقعیت و یافت جمله که همان نتیجه دادن نامه اعمال به دست انسان است آورده شده‌است.» (رضایی، ۱۳۸۹، ۲۵) نسفی در صدد است پیام موجود در آیه را با آوردن عبارتی از جمله "هر آینه با وی حساب آسان کرده‌شود" و "هر آینه واهلاکا بانک کنند" بهتر به مخاطب انتقال دهد. با توجه به اینکه کنش موجود در آیات کنش تعهدی است؛ یعنی خداوند بر تحقق پاداش و سزای عمل انسانها تاکید میکند؛ نسفی نیز با آوردن واژه‌های "هر آینه" و "واهلاکا" با شدت بیشتری این موضوع را برای مخاطب خود بیان میکند و اینگونه کنش تعهدی موجود در آیه را با تاکید بیشتری به مخاطب انتقال میدهد.

«اما آنکس که او را نامه او دهند در دست راست با او شمار کنند شماری آسان و بازگردد با کسان خویش شادان و اما آنکس که او را دهند نامه او از پس پشت او برخورد به هلاک آواز دهد بنومیدی.» (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۱۰: ۴۲۵) میبدی در صدد است همانند نسفی کنش تعهدی موجود در آیه را به مخاطب انتقال دهد. او برای نشان دادن تاکید موجود در آیه، مفعول مطلق نوعی را به همان صورت مفعول مطلق ترجمه نموده است. میبدی جملات را با حروف ربط "اما" و "و" به یکدیگر مرتبط کرده و جملات دارای سبکی گسسته میباشند.

«وَتَأْكُلُونَ التَّرَاتِ أَكْلًا لَمَّا مِيرَاثِ يَتِيمِ رَا هَمِه مِيخُورِيَتِ وَتُجَبِّونَ الْمَالِ حَبًّا حَمًّا وَ مَالِ رَا نِيكَ دُوسْتِ مِيَدَارِيَتِ كَلَا نِه چنين ميبايد كه ميكنيد إِذَا ذُكَّتِ الْأَرْضُ ذِكًّا ذَكًّا چُونِ زَمِينِ پَارِه پَارِه كَرْدِه شُود.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۱۱۶۲) دانشمندان نحو معتقد هستند: «حرف "كلا" يك حرف مرکب است از كاف تشبيه و لا نافية تشكيل شده است. برخی نیز معتقدند این حرف بسیط است نه مرکب حرف "كلا" به معنای بازداشتن و ممانعت از دریافت معنای قبل است.» (ابن هشام، ۲۰۰۹، ج ۱: ۲۶۹) از این رو میتوان بر حرف كلا همیشه وقف کرد و جمله بعد از آن يك جمله ابتدایی است.

نسفی در ترجمه "كلا" به معنای بازداشتن و ممانعت از معنای عبارت قبل از "كلا" دقت دارد و آن را اینگونه ترجمه میکند: " نه چنين ميبايد كه ميكنيت" او در این نوع ترجمه بیان میکند خوردن میراث یتیم و دوست داشتن مال امری نکوهیده است که باید از آن ممانعت نمایند. جملات در ترجمه او طبق گفتمان قرآن دارای سبکی گسسته هستند. از آنجایی که در سبک نحوی گسسته جملات در بردارنده یک اندیشه مستقل هستند که میتوان با نقطه آنها را از هم جدا کرد، این آیه از نظر سبک نحوی نسبت به آیات قبل دارای سبک گسسته است. البته این به این معنی نیست که دریافت معنای ما بعد در گرو فهم معنای قبل از كلا نباشد و مقصود از گسسته بودن نحوی آیات قطع ارتباط نحوی و عدم تأکید معنای بعد از "كلا" بر معنای قبل از آن است. به کاربردن حرف «إِذَا» در کنار حرف "كلا" و تکرار مفعول مطلق تاکیدی "دکا دکا" این تأکید را میافزاید.

«و مرده باز مانده میخورند. خوردنی به نهیب و دوست میدارند مال را دوستی سخت فراوان آری چنين است چون این زمین پاره پاره بشکنند و بکوبند کوفتنی سخت.» (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۱۰: ۴۷۷) میبدی کلمه "كلا" را به معنای ممانعت از معنای ماقبل آن در نظر نگرفته و آن را به صورت تاکیدی بر معنای قبل ترجمه نموده است و با ترجمه‌ای که در کنار فعل مجهول از "دکا دکا" نموده صحنه قیامت را با دلهره بیشتری در نزد مخاطب ترسیم کرده است.

«أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ أَمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَسْئَلُونَ أَمْ يَلْمِزُوكَ إِذْ سَأَلْتَهُمْ لِيَوْمٍ مَّيْئِدٍ لَّيْسَ لَهُمْ جَاهِدٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا قَالُوا بِشَيْءٍ حَتَّى يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۱۱۸۳)

خداوند در این آیات در ابتدا با طرح پرسشی در صدد است مخاطب را به تفکر و تأمل درباره زنده شدن دوباره مردگان در قیامت وادارد. خداوند با طرح پرسش "أَفَلَا يَعْلَمُ" به انسانها این نکته را میفهماند که از زمان برانگیخته شدن از گورها آگاهی ندارند. سبک نحوی ساختار جمله‌ها در این آیات از نوع همپایگی است. سبک نحوی جملات در ترجمه نسفی از نوع همپایگی میباشد و همچنین به ساختار سوالی و مجهول جملات در ترجمه خود دقت داشته است و حتی برای نشان دادن اهمیت موضوع عبارت "بهم" را به صورت "به ایشان و افعال ایشان و جزای ایشان" ترجمه نموده است و تکرار ضمیر "ایشان" تاکید در جمله را میرساند.

واکاوی جملات از لحاظ کنش گفتاری

کنشهای گفتاری جنبه مهمی از کاربرد شناسی زبان هستند که موضوع بحث آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت میدهند. در ترسیم خصوصیات بخشی از یک متن به عنوان یک کنش گفتاری در حقیقت کنشی توصیف میشود که تولید کننده متن میتواند همزمان کارهای متفاوتی را انجام دهد؛ لذا هر عنصر واحدی از متن میتواند در برگزیده ارزشهای متفاوتی از نظر کنش گفتاری باشد. « ارزشهای کنش گفتاری تنها بر پایه ویژگیهای صوری کلام تعیین نمیشوند؛ بلکه در تعیین ارزشها مفسر همچنین بافت متنی کلام (جملات قبلی و بعدی آن) بافت بینامتنی، بافت موقعیتی و عناصر دانش زمینه‌ای را نیز دخالت خواهد داد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۳۵)

در بررسی کنشهای گفتاری باید به نوع بافت موقعیتی آنها و نوع گفتمانی که در آنجا جریان دارد آگاه باشیم. گاهی اوقات با توجه به موقعیتها کنشهای گفتاری متفاوت ارائه میشود؛ مثلا اگر مخاطب نسبت به سطح قدرت در موقعیت پایینتری نسبت به مخاطب باشد، از جمله امری، همان استفاده امری میشود؛ ولی اگر نسبت به موقعیت، قدرت در سطح بالاتر و یا هم سطح با گوینده باشند از جمله پرسشی اراده جمله امری میشود. به عبارت دیگر در کنشهای گفتاری گاه عبارات نسبتا مستقیم و یا نسبتا غیر مستقیم با درجات متفاوتی میتوانند مطرح شوند. بخشی از کنشهای مورد انتظار از خواندن و قرائت قرآن و متون دینی وصفهای اخباری در گزاره‌های دینی است. در فهم و تفسیر گزاره‌های دینی افزون بر توجه به بعد وصفی آن توجه به کنش گفتاری آن نیز ضرورت دارد. « کنش گفتاری برخی از گزاره‌های اخباری ارائه مقدمات شرایط ارکان و اجزای اعمال و آیینهای خاص مذهبی به شمار میرود. کنش گفتاری بسیاری از گزاره‌های اخباری و وصفی اعتراف به گناه، شناخت عیوب نفسانی، القا و تلقین به نفس، توجه به عمق مضرات و عواقب دنیایی و آخرتی آنها، تجلیل از خداوند، تقویت و تشدید ترس از خداوند، تقویت و روحیه توکل و امید، حضور خداوند در قلب و ارتباط معنوی با خدا، تصفیه دل از پلیدیها، تقویت و تثبیت ایمان در دل، اظهار وابستگی، غافل شدن از نفس و خطا و خواسته‌های مادی، فراموشی رنجهای روحی و مادی، تذکر یادآوری و ...» (ساجدی، ۱۳۹۰، ۱۲۷)

کنش اظهاری یا تصریحی

کنش اظهاری «برای بیان یک واقعه یا گزارشی از یک فرایند است. این نوع کنش تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره‌ای بیان میکند و نشان میدهد که گوینده میکوشد تا حال روانی و عقیده خود را به زبانی ساده به شنونده منتقل کند.» (پهلوان نژاد و اصطهباناتی، ۱۳۸۷، ۱۴)

در بررسی دو تفسیر مورد نظر در بحث کنش اظهاری از آن جهت که تعبیری از آیات قرآن کریم میباشد؛ کنش اظهاری آن در میان صدق گزاره‌ها در درجه بالایی قرار دارد؛ زیرا عدم رعایت آن از اعتبار تفسیر خواهد کاست. میبیدی گاه در ترجمه آیات قید و یا صفتی را میآورد تا آن حالت روانی و عقیده خود را در ضمن ترجمه بیان نماید. برخی از آیات قرآن به جمله‌هایی مانند «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» و «كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» ختم شده‌است که اصطلاحاً "رووس آیه" نامیده میشود.

میبیدی در نوبت اول کشف‌الاسرار در برگرداندن این گونه آیات که متضمن فعل ناقص "کان" میباشد، قید استمرار "همیشه" یا "از همیشه" یا "همیشه‌ای" را میافزاید تا مفهوم زمان گذشته را که از "کان" برمیآید، از بین ببرد و استفاده‌ای که برای صفات خدای تعالی در چنان آیاتی هست برساند و کنش تصریحی موجود در آیه را با شدت

بیشتری در ترجمه خود نمایان میکند. او خود ضمن تفسیر نخستین آیه سوره نساء مینویسد: «در قرآن هر جا که کان است به الله پیوسته معنی آنست که لم یزل همیشه چنان بود که هست.» (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۲: ۴۰۷) همچنین ضمن شماره کردن وجوه معانی "کان" در قرآن مینویسد: «و به معنی ماضی و حال و مستقبل چنانکه گفت و کان الله غفورا رحیما، و کان الله سمیعا علیما» (همان، ۱: ۱۴۶) میبیدی با آوردن قید استمرار "همیشه" و صورتهای دیگری از آن اختصاص و انحصار خبر "کان" یعنی صفات پروردگار را به زمان ماضی از بین برده و دوام و ثبوتی که لازمه صفات ذات قدیم الهی است میرساند و این گونه کنش تصریحی آیه در ترجمه نمایان است.

شواهدی چند از ترجمه این "رووس آیه" که در بخش ترجمه آیات النوبه الاولی از مجلدات کشف‌الاسرار آمده‌است:

«و کان الله علیما حکیما و خدای دانای راست دانش است همیشه» (همان، ج ۲: ۴۴۶)

«ان الله کان عزیزا حکیما که الله توانائیس دانا همیشه‌ای» (همان، ۵۳۴)

«وکان الله غفورا رحیما و الله آمرزگاری بخشاینده‌است از همیشه» (همان، ۱۲۲)

«و کان الله واسعا و خدای بی نیاز است توانگر فراخ دار فراخ بخش "حکیم" داناست به آنچه کردنی است در حکمت وی همیشه‌ای» (همان، ج ۲: ۷۰۸) در تفسیر کشف‌الاسرار نمونه‌های زیادی از این گونه ترجمه ملاحظه میشود.

و نسفی این آیات را اینگونه معنی میکند:

«و کان الله علی کل شیء قدیرا و خدای عزوجل هست بر هر چیزی توانا» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۹۶۹)

«و کان الله عزیزا حکیما و خدای تعالی عزیز است قهر کننده دشمنان حکیم است برابر ناکنده دشمنان را با دوستان» (همان، ج ۱: ۱۹۷)

«و کان الله علی کل شیء قدیرا و خدای تعالی بر همه چیزی تواناست و قدرت بر کمال وراست.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۷۹۳)

نسفی در ترجمه این آیات همین اندازه که فعل "کان" را به صورت فعل مضارع "هست" ترجمه کند، کافی میدانند و در صدد آن نیست که این تداوم را به واسطه قیدی نشان دهد؛ لذا در ترجمه تحت‌اللفظی او کنش تصریحی موجود در آیه نسبت به ترجمه میبیدی از شدت کمتری برخوردار است.

مترجمان قرآن دقت و توجه بسیاری به ریزه کاری‌ها و ظرایف موجود در آیات دارند و همه تلاششان آن است که این نکات و ظرایف را در ترجمه خود نشان دهند. میتوان گفت آنان از کنش گفتاری در جهت تفهیم مطلب و ارشاد کردن مخاطب استفاده کرده‌اند.

از آنجایی که حیطة کار در این مقاله بررسی گفتمان در ترجمه آیات است به این دقت نمیتوان کنش اظهاری را در ترجمه آیات بررسی کرد؛ چراکه مترجمان بیش از هر چیزی تحت تاثیر گفتمان قرآنی هستند و در ترجمه تنها میتوان برخی از اهداف کنش گفتاری از قبیل بیان یک واقعه، بیان گزارش و یا بیان باور و اعتقاد گوینده را بررسی نمود؛ ولی میتوان گفت از میان این اهداف بیان باور و اعتقاد گوینده در خلال ترجمه‌ها نسبت به بقیه کمتر اتفاق میافتد و اغلب بیان باورهای گوینده و دیدگاه‌های میبیدی را میتوان در بخش سوم بررسی نمود که میبیدی با این کنش گفتاری جهان بیرون را از دیدگاه خود توصیف میکند و تلاش دارد تا توصیف خود را از جهانی که شناخته با کلمات مطابقت دهد. تحلیل کنشهای اظهاری نشان میدهد قصد میبیدی اظهار روشن اندیشه و تجربه‌های صوفیانه بوده‌است. میبیدی به عنوان یک فرد دیندار از نفوذ اندیشه‌های صوفیانه که در آن زمان رواج دارد بر کنار نمانده تا جاییکه تحت تاثیر گفتمان مسلط آن دوران به تفسیر عرفانی با نگاه صوفیانه از قرآن دست میزند.

کنش ترغیبی

این کنش برای بیان تقاضا صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش است. نکته منظوری کنش ترغیبی بر این اصل استوار است که این نوع کنش تلاش گوینده برای ترغیب و واداشتن شنونده به انجام کارهاست. این کنش در علم معانی برابر با جملات انشای طلبی مانند امر و منادا و تمنی و پرسش است. در بیشتر متون بلاغی فارسی نیز بر پایه تقسیمات انشا در عربی، تمنی از انواع انشای طلبی تعریف شده است. «تمنی در حقیقت خواستن مطلوبی است که به دست آوردنش دشوار یا محال باشد.» (همایی، ۱۳۶۶، ۱۰۷) تمنی و ترجی حضور متکلم را پر رنگ میکند و او را در آشکار کردن عواطف و احوال یاری میرساند. به همین سبب گمان رسیدن به مقصود در تمنی افزایش مییابد.

بسیاری از کتابهای تاریخی و فلسفی در صدد وصف هستند؛ ولی قرآن علاوه بر گزارش‌دهی گاه در صدد تحریک احساسات و تهییج مخاطب است و میتوان گفت زبان قرآن در این مواقع چند بعدی است. لذا می‌تواند مترجم آیات قرآن نیز در ترجمه خود علاوه بر جنبه اختیار به جنبه تحریک احساسات مخاطب نیز توجه داشته‌باشد و این امر قبل از هر چیزی به میزان اعتقاد مخاطب و درک و بر داشت درست مترجم از آیات بر میگردد.

«وَالطُّورِ سَوَّكَدَ بَه كَوَه طَوْر سَیْنَا وَكَوَیْنَد بَه هَر كَوَه كَه هَسْت دَر دَنیَا وَكَتَبَ مَسْطُورٍ فِی رَق مَنشُورٍ وَ سَوَّكَد بَه كِتَاب نَوَشْتَه، دَر بَیاضِی بَاز كَرْدَه نَانَوَشْتَه وَ مَراد از وی قرآن است و گویند تورات و انجیل و صحف پیشینیان است و گویند لوح محفوظ است که از بهر نگرستن فرشتگان است و گویند که کتب اعمال آدمیان است وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ سَوَّكَد بَه خانَه اَبادان كَرْدَه بَه زیارت خَلقان یعنی كعبه كه به دنیاست و گویند بیت معموری كه در آسمانهاست و مقصد ملائكه ملكوت اعلى است وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَ سَوَّكَد بَه سفد بلند برداشته یعنی آسمان وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ سَوَّكَد بَه دریای پر كَرْدَه وَ گویند بر افروخته به آتش سوزان و این صفت دریاهای دنیاست به وقت آمدن قیامت و گویند این نام دریایی است كه در زیر عرش عظیم است بدین حال و بدین صفت این عذاب ربك لواقع كه عذاب خداوند تو افتادنی است مر كافران را.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۹۹۲)

قسمهای مکرر در ابتدای سوره طور نشان از بیان امری مهم دارد که مورد تاکید خداوند است. «بدون هیچ شکی قسم در زبان نوشتار یا گفتار برای تاکید است و آنگاه که مخاطب در مقام انکار باشد یا گوینده بخواهد سخن خود را مؤکد و تأثیر آن را بیشتر نماید از قسم استفاده میکند. قسم در زبان غالباً با اداتی همراه است که یا مختص قسم هستند همچون "تاء" که تنها با اسم جلاله به کار میرود و تأکید را بسیار شدید میکند و یا یکی از معانی آنها برای قسم است مانند واو، باء و لام.» (امید جهان بخش، ۱۴۰۰، ۱۵۰)

هدف در این آیات تهدید و انذار کسانی است که منکر هر نشانه و آیتی از جانب خداوند میشوند و همواره در صدد عناد و ورزی با خداوند هستند و خداوند میخواهد با آوردن قسمهای پی در پی کفار را به عذابی که برای روز قیامتشان آماده کرده بیم دهد.

از آنجاییکه آیات از کنش ترغیبی برخوردار هستند، نسفی سعی نموده با آوردن کلمه "سَوَّكَد" در ترجمه "واو" قسم موجود در آیه و همچنین با شرح کلماتی از جمله "مسطور"، "بیت المعمور" و "بحر المسجور" درستی کلام حق را اثبات کند و خواننده را به ایمان به خداوند و روز قیامت ترغیب نماید.

«به آن كوه كه الله در آن با موسی سخن گفت و به نامه نوشته در ورقی گشاده و به آن خانه با فراوانی آمدندگان به آن و گروندگان گرد آن و به این كاز برداشته آسمان افراشته و به آن دریا از آب پر كرده كه عذاب خداوند تو بودنی است [نا گرویدگانرا]» (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۹: ۳۲۸) میبیدی صریحاً قسم موجود در آیه را در ترجمه

خود لحاظ نکرده و آن را به صورت حرف قسم "به" ترجمه کرده است؛ لذا ترجمه میبیدی کمتر کنش ترغیبی موجود در آیه را نسبت به ترجمه نسفی به مخاطب منتقل میکند.

«فَذَرَهُمْ حَتَّى يَلْقَوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ بَمَانِشان تا ببینند آن روز را که در وی هلاک کرده‌شوند يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ آن روز که هیچ سود نداردشان داستان ایشان و نه ایشان نصرت داده‌شوند.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۹۹۶)

قرآن بعد از طرح یازده سوال در آیات قبلی و بستن همه راه‌های عذر و بهانه مشرکان فرمان رها کردن آنها را میدهد و میفرماید: «فَذَرَهُمْ...» خداوند در این آیات با توجه به شدت لجاجت مشرکان و مقتضای حالشان با کنش دستوری همپایه با آنها برخورد نموده است. نسفی نیز با به کار بردن فعل "بمانشان" و "هلاک کرده‌شوند" کنش ترغیبی آیه را در ترجمه خود بازتاب داده است. او در ادامه آیه را اینگونه ترجمه میکند: «که هیچ گونه داستان در آن روز سود ندارد و نصرت داده نمی‌شوند.» و اینگونه او در صدد ایجاد تلنگر فکری و هوشیارسازی مخاطب است که بخاطر ایجاد رعب و وحشت در مخاطب همانند سبک قرآن دارای کنش ترغیبی میباشد.

«گذار ایشان را تا پیش آید ایشان را و ببینند آن روز که در آن روز بر روی عذاب افتند آن روز که سود ندارد ایشان را داستانها که ایدر میسازند هیچ و ایشان را یار نرسند و یاری ندهند.» (تفسیر کشف الاسرار، ج ۹: ۳۳۱) میبیدی نیز همانند نسفی توانسته است کنش ترغیبی موجود در آیه را به خوبی به مخاطب انتقال دهد.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجْلِسِ فَافْسَحُوا اى مؤمنان چون گفته شود مرشما را که فراختر نشینیت در مجلسها فراختر نشینیت يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ تا فراخ گرداند خدای عزوجل شما را منزلها در بهشت چون به وی در آیت و إِذَا قِيلَ اُنشُرُوا فَانشُرُوا و چون گفته‌شود که برتر نشینیت برتر نشینیت بی کراهیت يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ تا بلند گرداند خدای عزوجل آنها را که از شما مؤمنانند و عالمانند درجه‌ها در جنت وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ و خدای عزوجل داناست بدانچه میکنیت از طاعت و معصیت.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۱۰۳۵)

این آیه لزوم رعایت آداب معاشرت را به مسلمانان دستور میدهد و آنان را ترغیب به رعایت آن میکند. قرآن میگوید جا دادن به دیگران در هر مجلسی لازم است و احترام به تازه وارد یک نوع ارزش محسوب میشود و همچنین صاحبان علم و دانش باید در جامعه اسلامی از جایگاه بالا و والایی برخوردار باشند. «در این آیه شریفه، تعظیم و احترامی از علمای امت شده که بر هیچ کس پوشیده نیست و جمله "وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ" مضمون آیه را تأکید میکند.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۱۸۸) به طور کلی رعایت آداب اجتماعی حتی در نشست و برخاست مورد سفارش اسلام است. نسفی در ترجمه با آوردن واژه‌هایی بیش از نص آیه حالت کنش ترغیبی موجود در آیه را برای مخاطب پررنگتر نموده است. به طور مثال در ترجمه "يفسح الله لكم" بیان میکند: «تا فراخ گرداند خدای عزوجل شما را منزلها در بهشت چون به وی در آیت.» و یا در ترجمه "وإذا قيل انشروا فانشروا" قید "بی کراهیت" را در ترجمه خود اضافه مینماید و همچنین در ترجمه "يرفع الله..." قید "در جنت" را بیان مینماید تا مخاطب به انجام این دستورات بیشتر ترغیب شود.

«ای ایشان که بگرویدند چون شما را گویند در مجلس فراختر نشینید جنبید و فراخ نشینید تا الله شما را جای فراخ کند و چون شما را گویند برجهدید، برجهدید تا الله بردارد ایشان را که گرویدند از شما و ایشان که دانش دادند ایشان را درجه‌هاشان بردارد در مزد، هم گوینده و هم شنونده را در مجلس و الله به آنچه شما میکنید داناست و از آن آگاه.» (تفسیر کشف الاسرار، ج ۹: ۱۵) ترجمه میبیدی نسبت به ترجمه نسفی، کنش ترغیبی موجود در آیه

را کمتر به مخاطب منتقل میکند. او ترجمه‌های تحت‌اللفظی از آیه ارائه می‌دهد و ترجمه او منعکس کننده کنش ترغیبی موجود در آیه است.

«فماذا بعد الحق الا الضلال پس به راستی چیست جز از گمراهی فانی تصرفون شما را از او چون برمیگردانند؟» (تفسیر کشف الاسرار ، ج ۴: ۲۸۳)

«چه بود سپس حق مگر ضلالت چگونه گردانیده میشود از این راه راست به جهالت؟» (تفسیر نسفی، ج ۱: ۴۰۰) در آیه فوق خداوند هدف خود را در ضمن پرسشی اینگونه بیان میکند که هرچه غیر از خداوند است ضلالت و تاریکی است و هر لحظه این امکان وجود دارد که انسان از راه راست به راه باطل گراییده شود و با طرح پرسش "فانی تصرفون به کجا برگردانده میشود؟" در صدد بیان این نکته است که با انحراف از راه حق به بد جایی می‌روید و جنبه آگاهی بخشیدن به مخاطب را دارد. میبیدی در ترجمه خود با آوردن قید "به راستی" تا حدودی بیشتر از نسفی تأکید در آیه را در ترجمه خود نشان داده‌است؛ ولی در فراز دوم آیه "فانی" را میبیدی "چون" و نسفی "چگونه" ترجمه کرده‌اند و آن حالت تحذیری که در طرح پرسش به "کجا می‌برندتان؟" وجود دارد در ترجمه آنان وجود ندارد.

کنش عاطفی

بیان حالت روانی است که گوینده را در بیان آنچه احساس میکند یاری می‌دهد. شادی، اندوه، درد، حزن، محبت، کینه، ترس و... از مهمترین حالات و شرایط روانی است که گوینده ممکن است در کلام خود آنها را ابراز نماید تا این حالت را با مخاطبانش به اشتراک بگذارد.

«وَأصبر لحکم ربِّکَ و صبر کن بر حکم ما فَإِنَّکَ بِأَعْيُنِنَا چه تویی به دیدار و علم ما وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حین تَقُومُ و نماز آر و حمد آر خویشتن را چون برخیزی از خواب شب یعنی نماز بامدادین و از خواب روز یعنی نماز پیشین و مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ و به شب نماز آر ورا یعنی نماز شام و نماز خفتن وَاذْبُرْ النَّجْمِ و سنت نماز بامدادین آر وقت ستارگان فرورفتن.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۹۹۶)

در آیات پایانی سوره طور روی صحبت خداوند با پیامبر (ص) است. نسفی در ترجمه این آیات با آوردن ترجمه‌های فراتر از ترجمه تحت‌اللفظی توانسته‌است مضمون آیه را برای مخاطب خود به خوبی بیان نماید. نسفی در ترجمه "باعیننا" بیان میکند که خداوند به پیامبر (ص) می‌گوید: تو هم در دید ما و هم تحت علم ما هستی یعنی خداوند بر همه چیز آگاه است. در ادامه با توجه به روایاتی که در توضیح این آیه از ائمه اطهار است نسفی به نمازهای مختلف اشاره میکند. با توجه به فضای این دو آیه و عبارت "إِنَّکَ بِأَعْيُنِنَا" و عبارت "سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ" چنین به نظر میرسد که لحن این دو آیه دارای بار عاطفی خاصی است و ترجمه نسفی از این آیات بیانگر این کنش عاطفی میباشد؛ یعنی خدای متعال به دنبال ایجاد دلگرمی و صمیمیت و تقویت روحیه رسول خدا در مقابل مکر و حيله دشمنان است.

«شکیبایی کن حکم خداوند خویشتن را و چشم دار کار بر گزاردن او را که تو بر دیدار دو چشم مایی نه غایب و نه فراموش و خداوند خویشتن را بستای به پاکی و به شب نماز کن او را و به بی عیبی یاد کن و پس روی به نا پیدایی نهادن ستارگان.» (تفسیر کشف الاسرار ، ج ۹: ۹۹۶)

میبیدی با ترجمه‌ای که از این آیات دارد به خوبی کنش عاطفی موجود در آیه را به مخاطب انتقال می‌دهد.

«إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ رَازِ گفتم از دیو است تا مؤمنان را غمگین کند، و زبان نداردشان چیزی مگر که خدای عز و جل خواهد و عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ و بر خدای عزوجل تو کل کنندا مؤمنان و نه اندیشندا از راز گفتن ایشان.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۱۰۳۵)

خداوند در آیه بیان میکند نجوا، انسان را شیطان صفت میکند و وسوسه‌ای از جانب شیطان است. او در ادامه مومنان را دلگرم میکند و به آنها تسلی میدهد که تا خداوند نخواهد کسی نمیتواند آسیبی به آنها برساند و داروی شفا بخش هر گونه دلهره و ناآرامی توکل بر خداوند است. نسفی نیز این کنش عاطفی قرآن را به خوبی در ترجمه خود به مخاطب القا میکند و بیان میکند بعد از توکل بر خدا از راز گفتن ایشان نترسید.

«این راز کردن از دیو است تا گروه‌دگان را اندوهگن کند و آن راز گزند کننده نیست هیچ چیز و هیچ کس را مگر بخواست خدای تعالی و ایدون باد که پستی داشتن گروه‌دگان به خدای باد.» (تفسیر کشف الاسرار، ج ۱۰: ۳) میبیدی با آوردن عبارت "هیچ چیز و هیچ کس" در ترجمه، احساسات مخاطب را درگیر میکند و در او حس اطمینان را پررنگ مینماید.

«قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَسْرَفُوا عَلَىٰ اٰنْفُسِهِمْ بٰگُوْا يٰ مُحَمَّدُ اِذَا مِنْ اٰی اَنْ بِنْدِگَانِ مِنْ كِهْ اِزْ حُدْ دَرْ گِذْشْتِیْتِ بَرِ سْتَمْ كَرْدِنِ بَرِ تَنْهَایِ خَوِیْشِ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ نُوْمِیْدِ مَشُوْیْتِ اِزْ رَحْمَتِ خَدَایِ خَوِیْشِ بِهْ بَسِیَارِیْ گَنْهْ كَرْدَنْهَایِ خَوِیْشِ اِنْ اللّٰهُ یَغْفِرُ الذَّنُوْبَ جَمِیْعًا چِهْ خَدَایِ تَعَالٰی بِیَاْمِرْزُدِ هَمَّهْ گَنْهَآنِ اِنَّهٗ هُوَ الْعَفُوْرُ الرَّحِیْمُ چِهْ وِیْ اِسْتِ اَمْرَزَنْدِهْ وِ بَخْشَایَنْدِهْ بَرِ بِنْدِگَانِ.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۸۷۴) از نگاه قرآن همه گناهان هر قدر هم بزرگ باشند قابل آمرزش هستند و نباید بخاطر زیادی گناهان از رحمت الهی مایوس شد و طبیعتاً راه دریافت آمرزش الهی توبه و جبران گناه است. در بخشش الهی نوع گناه و مقدار آن تفاوتی ندارد و یاس از رحمت الهی جایز نیست و آمرزش گناه اقتضای رحمت خداوند است و همینکه انسان امید به مغفرت داشته باشد، زمینه آمرزش را ایجاد نموده‌است. در واقع این آیه خیر از رحمت و مغفرت الهی میدهد تا زمینه برای بازگشت مردم فراهم کند و از لحاظ عاطفی آرامشی را به بندگان القا میکند. نسفی در ترجمه "قل یا عبادی ... عبارت "بگو یا محمد از من" را ذکر میکند تا به مخاطب این اطمینان را بدهد که این سخن خداوند است که از زبان پیامبر(ص) بیان میشود تا بندگان مطمئنتر و با یقین بیشتر به فرمان آن ترغیب شوند و حالت عاطفی جمله بالاتر می‌رود. و در ترجمه "لا تقنطوا من رحمة الله" ضمیر "خویش" را اضافه مینماید که باز تأکید جمله را بالاتر میبرد و همچنین در ترجمه همین فراز عبارت "به بسیاری گنه کردنهای خویش" را ذکر میکند تا به مخاطب این اطمینان را بدهد به واسطه گناه مبدا از رحمت الهی دور شود. او با ترجمه‌ای که نموده‌است احساسات مخاطب را تحت تأثیر قرار داده و اهداف آیه را به طور کامل برای مخاطب بیان نموده‌است.

«بگو یا محمد که الله میگوید: ای رهیگان ایشان که گزاف کردند در ستم بر خویشتن نومیید مباحشید از بخشایش الله که اوست آن خداوند آمرزگار بخشاینده مهربان که گناهان همه بیامرزد که اوست آمرزگار مهربان.» (تفسیر کشف الاسرار، ج ۸: ۴۲۷) میبیدی نیز همانند نسفی پیام امید بخش موجود در آیه را با آوردن عبارت "یا محمد که الله میگوید" در نزد مخاطب متقن‌تر مینماید. او همچنین در ترجمه عبارت "إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوْبَ جَمِیْعًا" با آوردن صفات "آمرزگار بخشاینده مهربان" برای خداوند، حس امید و آرامش در آیه را در نزد مخاطب بیشتر میکند. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ ءَالْعٰلُوْنَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ و سستی مکنیت در حرب کافران و غم مخوریت به رنجی که میرسد از ایشان و شما برتری آن، اگر هستید تصدیق کنندگان اِنْ یَمْسَسْکُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهٗ اِگر میرسد خستگی‌تان، رسید به ایشان مانند آن وَتِلْكَ الْاَیَّامُ نَدَاوُلَهَا بَیْنَ النَّاسِ و این روزگار را میگردانیم میان

بیان تعهد گوینده به تحقق یک عمل است. در کنش تعهدی گوینده سعی میکند شنونده یا خواننده را به صدق کلام خویش متقاعد سازد. کنشهای ترغیبی گاه بر درخواست برآوردن حاجات نیز دلالت دارند. قصد این کنش تطبیق دادن جهان بیرون با محتوای گزاره‌ای عملی است که در آینده رخ خواهد داد. میبیدی با آنکه آگاهانه از سطح دوری میکند؛ اما آنجا که سخنش بر محور بیان مهرورزی خداوند میگردد، بوی شطح میگیرد. بررسی شواهد نشان میدهد که باور درونی عمیق میبیدی به مهر و آمرزش خداوند، بنیاد کنشهای گفتاری تعهدی او در متن است. باری او به خود اجازه میدهد که از زبان خودش مهر و آمرزش حق تعالی را ضمانت کند. از این روی همچنان از زبان خداوند از مهر او به انسان سخن میگوید و امید به بخشایش گناهان را ضمانت میکند. کنشهای تعهدی برای جلب اطمینان خاطر مخاطب ضرورت دارد. به عنوان مثال نویسنده با قسم یاد کردن یا وعده دادن میخواهد شک و تردید احتمالی مخاطب را به بخشایش الهی از بین ببرد: «جلال احدیت و جمال صمدیت سوگند یاد میکند به طهارت قدس و به سناء عز خود که هر که به من امید رحمت دارد. نومیدش نکنم هر کس به من طمع مغفرت دارد. رَدّش نکنم» (تفسیر کشف الاسرار، ج ۷: ۲۴۵)

«من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه از مومنان مردانی‌اند که راست کردند آن عهدی که با خدای تعالی کرده‌بودند فمَنهم من قضی نحبه از ایشان کس است که تمام کرد پیمان خویش و در سرکار کرد جان خویش و منهم من ینتظر و از ایشان کسی است که میباید و ما بدلوا تبدیلا و از ایشان تغییری نماید لیجزی الله الصادقین به صدقهم تا جزا دهد خدای تعالی راستان را به راستی ایشان و یعذب المنافقین ان شالله او یتوب علیهم و عذاب کند منافقان را اگر بخواهد یا بدهدشان توبه و ایمان ان الله غفوراً رحیماً چه خدای تعالی آمرزنده‌است و بخشاینده بر بندگان.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۷۹۲)

این آیات در صدد بیان این نکته هستند که در برابر گروهی که خواهان زندگی در رفاه هستند گروهی نیز در انتظار شهادت هستند و قرآن تأکید بر بزرگداشت مقام شهدا دارد و میگوید انتظار شهادت یک ارزش است و با آوردن عبارت "و منهم من ینتظر" و "و ما بدلوا تبدیلا" میگوید شهادت برخی مومنان عامل عقب نشینی یا دلسردی دیگر مومنان نمیشود و مومنان واقعی پایبند عهد و پیمان خود با خدا هستند و هیچ چیز حتی شهادت دوستان و عزیزان روحیه آنان را تغییر نمیدهد و در ادامه خداوند متعهد میشود حوادث تلخ و سخت در زندگی هدفدار است و موجب شکوفایی استعداد انسان میشود و انسان به وسیله کوشش و تلاش به پاداش میرسد و دریافت پاداش بر اساس صداقت در عمل است و توبه‌پذیری خداوند با لطف او همراه است.

نسفی فدا کردن جان در راه خداوند را تمام کردن پیمان بندگان مومن بیان میکند. نسفی کاملاً کنش تعهدی موجود در آیه را در ترجمه خود آورده‌است. او در ترجمه "یتوب علیهم" عبارت "بدهدشان توبه و ایمان" را میاورد و به این امر توجه داشته‌است که این توبه لطفی از جانب پرورگار است. «کلمه توبه اگر با حرف "الی" بیاید منظور توبه بندگان به درگاه خداوند است و اگر با "علی" بیاید منظور توجه و لطف خداوند به بندگان است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۸۷) لذا کنش تعهدی موجود در آیه را به خوبی در ترجمه خود بیان نموده‌است.

«از گروهی که مردانی‌اند که راست آمدند در آنچه پیمان کردند با خدای بر آن نحبه از ایشان هست که بر وفای خود برفت از دنیا و از ایشان هست که چشم میدارد و پیمان به بی وفایی بدل نکردند و خلاف نکردند. آنهمه آن راست تا پاداش دهد الله راستان را به راستی ایشان و عذاب کند دو رویان را اگر خواهد یا نوبت دهد ایشان را که الله تعالی آمرزگار است و بخشاینده.» (تفسیر کشف الاسرار، ج ۸: ۳۲)

میبیدی نیز همانند نسفی تعهدات موجود در آیه را نسبت به مومنان و توبه‌کنندگان، در ترجمه خود بیان کرده است.

«انا عرضنا الامانه على السموات و الارض و الجبال ما عرضہ کردیم امانت را یعنی امور دیانت را بر آسمانها و زمینها و کوه‌ها و گفتیم اگر بگذاریت شما را ثواب و اگر فروگذاریت بر شما عقاب و این بود عرض تعریف نه عرض تکلیف فابین ان یحملنها پذیرفتن نتوانستند و اشفقن منها و از آن بترسیدند و حملها الانسان و پذیرفتش آدم و آدمیان انه کان ظلوما جهولا و آنک کفر آورد از فرزندان وی نیک ستمکار بود و نیک نادان لیعذب الله المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات تا عذاب کند خدای تعالی مردان و زنان منافقان و مشرکان را و یتوب الله على المومنین و المومنات و توبه پذیرد و بیامرز مردان و زنان مومنان را و کان الله غفورا رحیما و خدای تعالی آمرزنده‌است و بر بندگان بخشاینده‌است.» (تفسیر نسفی، ج ۱: ۸۰۴)

آیه به این مهم اشاره دارد که خداوند ویژگیها و امتیازات خاصی به بشر داده‌است که هیچ یک از موجودات در آسمان و زمین آن را ندارند و این امتیازات امانت الهی است؛ اما بسیاری از انسانها در این امانت خیانت کرده و از آن در مسیر خلاف خواست خداوند بهره میبرند. نسفی کنش تعهدی آیه را اینگونه در ترجمه خود منعکس کرده‌است؛ او منظور از این امانت را در ترجمه، امور دیانت بیان میکند و میگوید عمل به آن موجب ثواب و فروگذاردن آن موجب کفر و عقاب میشود و در ادامه کنش تعهدی موجود در آیه را عینا در ترجمه خود بیان میکند و میگوید امانت الهی مسئولیت‌آور است و آنکه امانت را حفظ کند مشمول رحمت و آنکه با کفر و ستمکاری خیانت کند کیفر میبیند.

«ما عرضہ کردیم امانت دین بر آسمانها و زمینها و کوه‌ها، باز نشستند از برداشت آن و کژ رفتن در آن و راست باز نیامدن در آن و ترسیدند از آن و تاوان آن، و آدم فرا ایستاد و در گردن خویش کرد که این آدمی ستمکار و نادان است تا بود تا عذاب کند الله منافقان را مردان و زنان و انبازگیران را مردان و زنان و با خود آرد و بپذیرد مؤمنان مردان و زنان و الله آمرزگار است بخشاینده همیشه.» (تفسیر کشف‌الاسرار، ج ۸: ۸۱)

میبیدی نیز امانت الهی را دین معرفی میکند و تعهدات موجود در آیه را در قبال پذیرش دین و عدم پذیرش آن بیان میکند.

کنش اعلامی

این کنش چنانکه از نامش پیداست برای اعلام یک واقعه به کار میرود و بیانگر اقداماتی است که اگر صورت پذیرد باعث تغییراتی در جامعه میشود.

در این نوع از کنشهای گفتاری، هدف اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. نامگذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد در این موارد گوینده باید در جایگاهی باشد که صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته‌باشد قصد این کنش اعلام شرایط تازه است. این کنش جهان بیرون را تغییر میدهد افعال بیانگر کنش اعلامی عبارتند از اعلام کردن، انتصاب کردن، نام گذاری کرن، شروع کردن، محکوم کردن.

«وَإِن لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَاباً دُونَ ذَلِكَ و مر مشرکان را عذابی است پیش از آن به قحط مبتلا گشتن و روز بدر گرفتن و کشتن وَلَکِن أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ و لیکن بیشترین ایشان ندانند آن.» (تفسیر نسفی، ج ۲: ۹۹۶)

جملات ترجمه نسفی از این آیه با حرف ربط "و" به یکدیگر وابسته هستند و دارای سبکی آرام هستند. او با آوردن نمونه‌هایی از عذاب دنیایی از جمله به "قحط مبتلا گشتن"، "روز بدر گرفتن" و "کشتن" و همچنین ذکر

● در بحث ساختار نحوی جملات ترجمه نسفی از نوعی آرامش و کندی برخوردار است که این امر مأخوذ از قرآن است.

● میبیدی گاه در ترجمه آیات، قید و یا صفتی را می‌آورد تا آن حالت روانی و عقیده خود را در ضمن ترجمه بیان نماید و اینگونه کنش تصریحی موجود در آیه را با شدت بیشتری در ترجمه خود نمایان می‌سازد؛ ولی نسفی در صدد آن نیست که این تداوم را به واسطه قیدی نشان دهد؛ لذا در ترجمه تحت‌اللفظی او کنش تصریحی موجود در آیه نسبت به ترجمه میبیدی از شدت کمتری برخوردار است.

● آیاتی که از کنش ترغیبی برخوردار هستند، نسفی سعی نموده با آوردن کلماتی مخاطب را به انجام آن امر بیشتر ترغیب نماید و میتوان گفت ترجمه میبیدی کمتر کنش ترغیبی موجود در آیه را نسبت به ترجمه نسفی به مخاطب منتقل میکند؛ ولی هر دو نویسنده به خوبی توانسته‌اند کنش ترغیبی موجود در آیه را به مخاطب انتقال دهند.

● نسفی با انتخاب واژگانی که دارای بار عاطفی بیشتری هستند، در ترجمه خود به خوبی کنش عاطفی موجود در آیه را به مخاطب انتقال میدهد؛ لذا جنبه کنش عاطفی در ترجمه نسفی نسبت به میبیدی برجسته‌تر است و او بهتر توانسته است حس امید و آرامش را در مخاطب ایجاد کند.

● در بحث کنش تعهدی تقریباً هر دو مترجم طبق گفتمان قرآن عمل نموده‌اند و در برخی از موارد سعی نموده‌اند کنش تعهدی موجود در آیه را به خوبی در ترجمه خود بازتاب دهند. برای این امر آنان در آیاتی که خداوند بر تحقق پاداش و سزای عمل انسانها تاکید میکند؛ با آوردن واژه‌هایی سعی دارند با شدت بیشتری این موضوع را برای مخاطب خود بیان کنند و اینگونه کنش تعهدی موجود در آیه را با تاکید بیشتری به مخاطب انتقال میدهند. اگر چه بررسی شواهد نشان میدهد که باور درونی عمیق میبیدی به مهر و آمرزش خداوند، بنیاد کنشهای گفتاری تعهدی او در متن است. او به خود اجازه میدهد که از زبان خودش مهر و آمرزش حق تعالی را ضمانت کند. از این روی همچنان از زبان خداوند از مهر او به انسان سخن میگوید و امید به بخشایش گناهان را ضمانت میکند که این امر برگرفته از دیدگاه عرفانی اوست.

● در بحث کنش اعلامی نیز میتوان گفت این نوع کنش در ترجمه نسفی کاملاً منطبق بر قرآن و به صورت اعلامی است و همگان را با نسبت به اعلامهای قرآن باخبر می‌سازد. میبیدی نیز با شرح جزئیات در صدد اعلام گزارش احوال و اوضاع موجود در آیات به بهترین نحو است. و هر دو مترجم با ارائه ترجمه‌ای دقیق و تحت‌اللفظی از آیات پیامهای آن را در ترجمه خود به مخاطبین اعلام نموده‌اند.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات استخراج شده است. جناب آقای دکتر صابر امامی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر فرهاد طهماسبی بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم طیبه ابراهیمی شهرآباد، پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ibn Hisham, Jamal al-Din Abdullah bin Yusuf bin Ahmad. (2009). Mughni al-Labib on Kitab al-Aarib. Cairo: Dar es Salaam.
- Ahmad Nahleh, Mahmoud. (2002). Afaq al-Jadideh in contemporary linguistic research. Egypt: Dar al-Marafa al-Jamiyeh.
- Al-Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (2008). Al-Kashaf on the facts of Ghawamaz al-Tanzil. Authenticated by Abu Abdullah al-Dani bin Munir al-Zahwi. Beirut: Dar al-Katb al-Arabi.
- Omid Jahan Bakhsh, Lily. Hossein Firouz Jani. (2021). Analysis of Surah Toor based on the discourse stylistics of Michel Foucault. Stylistic studies of the Holy Quran. The fifth year, number 2. pp. 142-163.
- Pahlavan Nejad, Mohammad Reza. Nusrat Naseri (2017). Analysis of the text of a letter from the history of Beyhaghi with the approach of applied semantics. Persian language and literature. Year 16, No. 62, pp. 37-58.
- Rezaei, Governor. (2010). A new look at the indefinite construction in Persian language. Journal of Linguistic Research. No. 1. pp. 19-34.
- Sajdi, Abulfazl. (2013). Ontology of meaning. Philosophical knowledge of the ninth year, number 34, pp. 85-114.
- Searle, John. (2006). speech verbs Translated by Ali Abdullahi. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute.
- Shabani, Mansour. Alia Kurd, Saffronlou Kambozia and Ferdous Agha Golzadeh. (2009). The construction of the parallelism: looking at the Persian language, Journal of Literary Studies. No. 13. pp. 131-156.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1995). Tafsir al-Mizan. Translated by Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Community of Teachers.

- Azdanlu, Hamid. (2014). *Discourse and society*. Tehran: Ney Publishing.11
- Fatuhi, Mahmoud. (2011). *Stylistics of theories. Approaches and methods*. Tehran: Sokhn.
- Fairclough, Norman. (2000). *Critical analysis of discourse*. Group of translators. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mohammad, Azza Shabel. (2007). *The science of text language*. Cairo: Al-Adab School.
- Makarik, Irena Rima. (2011). *Encyclopedia of contemporary literary theories*. Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Nash Agh.
- Meibodi, Abulfazl Rashiduddin. (2014). *Discovering secrets and many things*. Tehran: Amir Kabir.
- Nasfi, Najmuddin. (1997). *Half interpretation. Jovini's correction*. Tehran: Soroush.
- Homai, Jalaluddin. *History of Iranian literature*. Tehran: Marvi-18
- 19- Yar Mohammadi, Lotfullah. (2013). *Communication from the perspective of belief discourse*. Tehran: Hermes.

فهرست منابع فارسی

- ابن هشام، جمال‌الدین عبدالله بن یوسف بن احمد. (۲۰۰۹). *معنی اللیب عن کتب الاعراب*. قاهره: دار السلام.
- احمد نحلہ، محمود. (۲۰۰۲). *آفاق جدیدہ فی البحت اللغوی المعاصر*. مصر: دار المعرفہ الجامعیہ.
- الزمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۲۹). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. توثیق ابو عبدالله الدانی بن منیر آل زهوی. بیروت: دار الکتب العربی.
- امید جهان بخش، لیلی. حسین فیروز جانی. ۱۴۰۰. *تحلیل سوره طور بر مبنای سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو*. مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم. سال پنجم، شماره ۲. صص ۱۴۲-۱۶۳.
- پهلوان نژاد، محمد رضا. نصرت ناصری. ۱۳۸۷. *تحلیل متن نامه ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی*. زبان و ادبیات فارسی. سال ۱۶، شماره ۶۲، صص ۳۷-۵۸.
- رضایی، والی. (۱۳۸۹). *نگاهی تازه به ساخت مجهول در زبان فارسی*. مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی. شماره ۱. صص ۱۹-۳۴.
- ساجدی، ابوالفضل. ۱۳۹۰. *هستی‌شناسی معنا*. معرفت فلسفی سال نهم، شماره ۳۴. صص ۸۵-۱۱۴.
- سرل، جان. (۱۳۸۵). *افعال گفتاری*. ترجمه علی عبداللہی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شعبانی، منصور. عالیہ کرد زعفرانلو کامبوزیا و فردوس آقا گل زاده. ۱۳۸۹. *ساخت همپایگی: با نگاهی به زبان فارسی*. مجله ادب پژوهی. شماره ۱۳. صص ۱۳۱-۱۵۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۹۴). *گفتمان و جامعہ*. تهران: نشر نی.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی نظریه‌ها*. رویکردها و روشها. تهران: سخن.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. محمد، عزه شیل. (۲۰۰۷). علم لغه النص. القاهرة: مکتب الاداب. مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۹۰). دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر آگه.

میبیدی، ابوالفضل رشید الدین. (۱۳۹۳). کشف الاسرار و عدةالابرار. تهران: امیر کبیر. نسفی، نجم الدین. (۱۳۷۶). تفسیر نسفی. تصحیح جوینی. تهران: سروش. همایی، جلال الدین. تاریخ ادبیات ایران. تهران: مروی. یار محمدی، لطف الله. (۱۳۹۳). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی اعتقادی. تهران: هرمس.

معرفی نویسندگان

طیبه ابراهیمی شهرآباد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: t.ebrahimi62@yahoo.com)

(ORCID: 0009-0003-4293-8120)

صابر امامی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

(Email: emami@art.ac.ir; نویسنده مسئول)

(ORCID: 0000-0002-2817-3283)

فرهاد طهماسبی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

(Email: Farhad.tahmasbi@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0002-2380-8331)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Tayybeh Ebrahimi Shahrbad: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: t.ebrahimi62@yahoo.com)

(ORCID: 0009-0003-4293-8120)

Saber Emami: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Applied Arts, University of Arts, Tehran, Iran.

(Email: emami@art.ac.ir; Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-2817-3283)

Farhad Tahmasebi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

(Email: Farhad.tahmasbi@yahoo.com)

(ORCID: 0000-0002-2380-8331)